با ما در ارتباط باشید

info@shahrara.com — رایانامه
۳۰۰۰۷۲۸۹ — پیامک
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰ — پیام رسان
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ — تلفن

اجتماعی

آرام| در خیلی از خانواده‌های ایرانی حداقل یک نفر آلوده به انواع مواد مخدر وجود دارد؛ چون مواد راحت در دسترس همه قرار می‌گیرد اما آموزش ارزانی برای خانواده‌ها وجود ندارد. چرا دولت ما چاره‌ای نمی‌اندیشد؟ دست دشمن را کوتاه کنید و نگذارید اعتیاد، خانه‌ها و خانواده‌ها را متلاشی کند. نگذارید کودکان و جوانان بی‌گناه، آواره شوند. این‌ها سرمایه‌های ۲۰سال آینده کشور هستند.

۰۹۱۵...۵۲۱| شهرآرا سلام! بد نیست درباره اقسام دزدی هم در روزنامه‌تان مطلب بنویسید. اکثرا فکر می‌کنند دزد فقط کسی است که از دیوار منزل دیگران بالا می‌رود، درحالی‌که کارمندی که با اخذ رشوه، جای متشاکی و شاکی را عوض می‌کند، پزشکی که به شرط دریافت زیرمیزی، عمل جراحی را انجام می‌دهد، فروشنده‌ای که ۱۵کیلو جنس را به‌عنوان ۱۶کیلو می‌فروشد، تعمیرکاری که قطعه معیوب استفاده می‌کند، معلمی که به‌جای درس دادن فقط منتظر تمام شدن ساعت کاری‌اش است و... هم به‌نوعی دزدی می‌کنند. مراقب باشیم دزد نشویم.

شهرداری

۰۹۱۵...۰۴۵| لطفا بیایید و بولوار رحیمی، رحیمی۱۵را حضوری ببینید. این خیابان کلا خاکی است، عین روستا. روزنامه، پارسال دو صفحه گزارش درباره‌اش نوشت اما کاری صورت نگرفت.

۰۹۱۵...۵۳۲| از شهرداری منطقه ۵ بابت زحماتی که برای زیباسازی گودال فخار می‌کشند، قدردانی و تشکر می‌کنم. خیلی خوب می‌شود که برای بچه‌ها و افراد کهنسال، پارک و فضای سبزی هم احداث کنند.

۰۹۱۵...۲۸۶| نمی‌دانم این از شانس ماست که همه پیاده‌روهای خیابان امام‌خمینی(ره) را درست کردند، ولی به کوچه ۸۰ یا ۸۳ که رسیدند، کار رها شد.

مسعود شیخی| عزاداری‌ها قبول! واقعا از ۳۰هزار بطری آب که شهرداری منطقه۶ توزیعش را تبلیغ کرد، آیا ۱۰۰۰بطری به شهرک شهیدبهشتی نمی‌رسید؟ واقعا سخت است باورش. شورای اجتماعی محله! اسوه‌های دفاع مقدس طلبکار نیستند ولی مطالبه‌گر هستند.

صداوسیما

آزادمهرا| با سپاس بیکران از مدیر شبکه۲ سیما و با تشکر از کارگردانان و تهیه‌کننده‌ها که سریال‌های ضعیف و آبکی می‌سازند!

شهرآرا
روزنامه شهروند
اشنبه
۱۶شهریور۱۳۹۹
۱۷محرم۱۴۴۲
شماره۳۱۹۴
SHAHRARANEWS.IR
۰۴
جامعه

پیچیده پرابهام و چالشی

روایت‌هایی از نخستین روز حضور دانش‌آموزان در مدارس مشهد از بازگشایی نمادین با حضور مسئولان تا دغدغه‌های والدین و سردرگمی مدارس

سنگین شدن ۲۵درصدی ترافیک برخی خیابان‌ها و بولوارها در صبح دیروز، موید تغییری بود که با بازگشایی مدارس در مشهد پدید آمده بود. هم‌زمان با نخستین روز سال تحصیلی، بسیاری از خانواده‌ها به همراه فرزندانشان عازم مدارس شدند؛ چراکه میان گمانه‌زنی‌ها برای مجازی بودن سال تحصیلی جدید به‌یک‌باره وزیر آموزش‌وپرورش اعلام کرد: تمام کلاس‌ها حضوری برگزار شود؛ البته با تاکید بر حفظ پروتکل‌های بهداشتی. این تاکید محسن حاجی‌میرزایی البته چیزی از نگرانی والدین نکاست؛ برای همین بسیاری از آن‌ها در نخستین روز بازگشایی مدارس همراه فرزندان خود شدند تا ضمن اعلام نارضایی خویش از چندوچون حضور دانش‌آموزان در کلاس‌های درس بپرسند. نگرانی‌هایی که با ترند شدن هشتگ «نه به بازگشایی حضوری مدارس» در فضای مجازی و حضور مجازی رئیس‌جمهور برای نواختن زنگ کلاس‌های حضوری دوچندان شده بود. خبرنگاران شهرآرا نیز صبح دیروز همراه خانواده‌ها و دانش‌آموزان به مدارس مشهد رفتند تا حال‌وهوای نخستین روز سال تحصیلی جدید را در سایه کرونا برای شما گزارش کنند.

مسئولان مجازی، بچه‌ها حضوری

محدثه شوشتری
m.shushtari@shahraranews.ir

گزارش روز

نه بوی ماه مهر بود و نه بوی بازی‌های راه مدرسه. نه خنده‌های قاه‌قاه بود و نه هیاهو و شوق مدرسه. نه سرود صبحگاه مدرسه و نه لاله سرخ روی تخته سیاه. بوی ماه استرس بود و خنده‌های خاموش. بوی الکل بود درمیان چهره‌های پنهان پشت ماسک‌های سه‌لایه. هر چیزی بود جز بوی ماه مهربان. حتی صدای زنگ مدرسه هم نبود؛ زنگی که با شنیدنش، بچه‌ها مثل فشنگ از پشت نیمکت‌ها می‌پریدند و می‌دویدند وسط حیاط مدرسه. زنگ‌های تفریح حتی یک ثانیه‌اش هم به دنیایی می‌ارزید برای بدوبدوکردن‌ها، بازی‌ها، در گوشی صحبت کردن‌ها و غلغله پشت شیشه بوفه مدرسه و نوبت خوراکی‌ها. اما روز اول مدرسه آن‌هم برای آخرین سال تحصیلی قرن، گویا قرار بود معادلاتش با تمام آنچه مدارس در همه این سال‌ها به خود دیده بودند، متفاوت باشد. صبحگاه پانزدهم شهریور، به‌جای صبحگاه اول مهر، راه مدرسه را پیش می‌گیرم. هنوز به خیابان آبکوه۶ نرسیده‌ام. ترافیک ماشین‌ها هم حکایت از روز متفاوتی با روزهای پیشین دارد. بچه‌های دبستان دخترانه حضرت زینب(س) یکی‌یکی وارد مدرسه می‌شوند. از پشت میکروفن مدام هشدار داده می‌شود که والدین، وارد صحن مدرسه نشوند تا فاصله‌گذاری بین دانش‌آموزان رعایت شود، اما والدین نگران پشت در مدرسه به انتظار ایستاده‌اند تا از نزدیک وضعیت کلاس‌ها و مدرسه را ببینند، شاید از آشوب به‌پاشده در دلشان اندکی کم شود. نمی‌توانند بچه دبستانی‌شان را که ماه‌ها در خانه قرنطینه کرده بودند، با یک تصمیم آنی بفرستند سر کلاس‌های حضوری مدارس.

شنبه بلاتکلیف

پشت در مدرسه همهمه‌ای برپاست. هر کسی با خودش حرف می‌زند یا دیگری را مخاطب قرار می‌دهد و اعتراضش را از بازگشایی مدارس بر زبان می‌آورد. شنبه اولین روز بازگشایی مدرسه، هم غریب است و هم بلاتکلیف؛ غریب از جنس تفاوتش با سال‌های قبل و بلاتکلیف از اینکه هنوز نه دست‌اندرکاران مدارس می‌دانند چگونه سال تحصیلی دانش‌آموزان را بگذرانند و نه والدین می‌دانند که باز باید منتظر کدام تصمیم آنی مسئولان باشند. یکی از والدین که دختر نه‌ساله‌اش را برای شروع کلاس سوم به مدرسه حضرت زینب(س) آورده است، همچنان با خودش کلنجار می‌رود که آیا دست بچه‌اش را رها کند تا وارد مدرسه شود یا نه؟ این مادر نگران که خودش هم کارمند یکی از ادارات است، می‌گوید: وقتی ما کارمندان را که اتاق مجزا داریم و بزرگ‌سال هستیم، دولت خودش دورکار اعلام کرده است، چطور تصمیم گرفته‌اند بچه‌های خردسالمان را به مدرسه بفرستند و در فضای بسته کلاس‌ها، چندین ساعت آن‌ها را وادار به رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی کنند؟ خود مسئولان دارند به‌صورت مجازی مدیریت می‌کنند، آن وقت به بچه‌ها نسخه حضوری داده‌اند؟ آخر بچه دبستانی چطور می‌تواند با این شرایط، شوق درس و مدرسه داشته باشد؟

والدینی که به‌جای بچه‌هایشان، به مدرسه آمده‌اند

مثل این مادر، دیگر والدین هم به بازگشایی ناگهانی مدارس، معترض هستند و نگران سلامت فرزندانشان. چند نفر از والدین، خودشان تنها به مدرسه آمده‌اند و فرزندانشان را در خانه گذاشته‌اند. حمید عرفانی، پدر یک دانش‌آموز کلاس دومی، یکی از همین والدین است که خودش به‌جای فرزند دانش‌آموزش روز اول را به مدرسه آمده است. می‌گوید: این دبستان طبق فهرست‌بندی و اعلام خود مدیران مدرسه، هزار دانش‌آموز دارد که در هر شیفت ۵۰۰دانش‌آموز به مدرسه می‌آیند. شما تصور کنید چطور این جمعیت را می‌شود کنترل کرد، آن‌هم دانش‌آموزان خردسال مقطع دبستان را؟ او تصمیم گرفته است دخترش را به مدرسه نفرستد و روز اول را فقط برای این آمده است که با معلم و مدیر مدرسه، صحبت و اعتراضش را اعلام کند. با صحبت‌های این پدر، چند نفر از والدین دیگر هم به او می‌پیوندند تا از مدیران مدرسه بخواهند هرچه زودتر کلاس‌های درس مجازی را تشکیل دهند اما این وسط تصمیم‌های کشوری هستند که به استان‌ها ابلاغ شده‌اند و قطعا یک مدیر مدرسه خود به‌تنهایی اختیار مجازی یا حضوری برگزار کردن کلاس‌ها را ندارد.

اینکه کودک هفت یا هشت‌ساله دستورالعمل رعایت کند، شبیه شوخی است

یکی دیگر از مادران نگران، صحبت چند روز پیش یکی از نمایندگان خانه ملت را تکرار می‌کند. می‌گوید: اینکه به کودک هفت یا هشت‌ساله کلاس اول و دوم بگوییم دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت کند، شبیه یک شوخی است؛ چون بچه‌ها فراموش می‌کنند که هر لحظه باید به فکر دست نزدن به ماسک و چشم‌ها و صورتشان باشند یا اینکه به سطوح مختلف مدرسه از در و نرده و دیوار و... دست نزنند. شاید هر روز این سطوح را مدارس ضدعفونی کنند اما چطور می‌توانند صدها دانش‌آموز را کنترل کنند که به در و دیوار و سطوح مختلف دست نزنند؟ چطور بچه کلاس‌اولی من نصف روز ماسک را روی صورتش تحمل کند؟ بچه‌ها یک ساعت هم ماسک را روی صورت نگه نمی‌دارند. کلافه می‌شوند و آن را کنار می‌زنند.

چهره‌های نگران، پشت نیمکت‌های مدارس

برای شنیدن صحبت معلمان مدرسه، وارد صحن مدرسه می‌شوم. با فاصله‌ایستادن برای بچه‌ها سخت است. مدام فریاد معاون و معلم به گوش می‌رسد که بچه‌ها! فاصله را به هم نزنید. یکی از دختربچه‌ها چادر مادرش را محکم گرفته است و روز اول مدرسه گریه می‌کند. اضطراب جدایی دارد و مادر، ماسک او را به فاصله چند دقیقه عوض می‌کند و از فرزندش می‌خواهد که ماسکش را آلوده نکند. آن سوی صحن مدرسه در بوفه بسته است اما بعضی دانش‌آموزان تا کنار بوفه می‌روند و بازمی‌گردند. چهره‌ها همه پشت ماسک‌ها پنهان است اما موج نگرانی هم در چشم‌های والدین و هم دانش‌آموزان، پیداست.

از یکی از معلمان مدرسه، از چگونگی حفظ سلامت دانش‌آموزان زیر سایه کرونا می‌پرسیم. او هم موافق بازگشایی مدارس به‌خصوص برای کودکان پایه‌های اول تا پنجم نیست و در گفت‌وگو با خبرنگار ما، از اعلام دیرهنگام بازگشایی مدارس و آماده نبودن کلاس‌ها و مدارس گلایه می‌کند. به‌گفته این معلم کلاس سوم دبستان، معلمان و مدیران مدرسه، خودشان را برای آموزش مجازی به‌خصوص در شهرهای پرجمعیت مثل مشهد و تهران آماده کرده بودند اما از چهارشنبه گذشته یک‌باره بحث حضور در کلاس‌ها مطرح شد، لذا آمادگی لازم را برای آموزش حضوری دانش‌آموزان در این شرایط نداشتیم.

به مدرسه رفتنش راضی نیستیم

تکتم جاوید
t.javid@shahraranews.ir

ازدحام والدین مقابل در کوچک دبستان غیردولتی بعثت، فضای حیاط آب‌وجاروشده و صف بچه‌ها تفاوتی با روز اول مدرسه در سال‌های گذشته ندارد. تنها تفاوتش همین ماسکی است که همه به صورت دارند. یکی از معاونان مدرسه پشت میکروفن دبستان برای بچه‌ها حرف می‌زند تا روز اول ورودشان به مکان جدید لذت‌بخش باشد اما مثل همیشه داخل صف پر از هممهمه بچه‌هاست. خانم قاسم‌پور دست پسرش را گرفته است و او را داخل یکی از صف‌ها جای می‌دهد. یادم نیست پیش از این والدین روز اول مدرسه چه نکته‌هایی را به فرزندشان یادآوری می‌کردند اما حالا همه مراقبت از ماسک را تذکر می‌دهند. پسرش را تنها می‌گذارد، کنار شوهرش می‌ایستد و توضیح می‌دهد: من شش ماه است خانه نزدیک‌ترین اقوام و خانواده‌ام نرفته‌ام ولی حالا مجبور شده‌ام پسرم را بیاورم مدرسه. سال گذشته کلاس اول بود و با آن اوضاع کرونا چیزی از درس و مدرسه متوجه نشد. امسال هم چون مدرسه‌اش تغییر کرده است، مجبور شدیم بیاورمش تا معلم و فضای مدرسه را ببیند. شوهرش نگرانی بیشتری دارد و حرف همسرش را این‌طور دنبال می‌کند: در دوره ابتدایی، والدین مجبورند بچه‌ها را مدرسه بیاورند تا با محیط آن آشنا شوند ولی امیدواریم این موضوع باعث نشود که کلاس‌های مجازی را متوقف و همه را حضوری برگزار کنند. عزت‌منش، پدر یکی از پسران کلاس چهارمی، است. او باوجودی که مطمئن است در همین یکی دو هفته، کرونا گسترش پیدا می‌کند، دلیل آوردن فرزندش را پیام‌های مدرسه بیان می‌کند: «از روز جمعه مدام از مدرسه پیام می‌آمد که اگر بچه را نیاورید، باید گواهی پزشک بیاورید و کلی شرط و شروط داشت. حقیقتش این است که ترسیدیم بچه را اذیت کنند و از بقیه عقب بماند، والّا به مدرسه آمدنش راضی نیستیم.»

از آنجاکه دبستان بعثت یکی از شعبه‌های مجموعه مدارس بعثت است، کلاس اول ابتدایی ندارد و از دوم تا ششم تحت آموزش آن‌هاست. امری که تاحدودی خاطر مدیر و معاونان مدرسه را راحت کرده است. مدیر مدرسه پشت میکروفن به خانواده‌ها اطمینان می‌دهد که «برنامه‌ریزی‌های اورژانسی را انجام داده‌اند و شرایط برای حضور بچه‌ها فراهم شده است» اما وقتی از سکو پایین می‌آید، در گفت‌وگو با ما، از غافلگیر شدن عوامل مدرسه می‌گوید: «اگر دست‌کم از شنبه گذشته اطلاع می‌دادند، می‌توانستیم بهتر کلاس‌ها را تقسیم‌بندی کنیم و برای آموزش بچه‌ها برنامه بچینیم اما وقتی آخروقت روز تعطیل اعلام شد، در روز جمعه به‌سختی توانستیم اسپری الکل و دستگاه ضدعفونی‌کننده بخریم.»

کرونا و شرایط ویژه باعث شده است مراسم آغازین هرساله، امسال برگزار نشود. بچه‌ها لحظاتی بعد به همراه معلم خود به کلاس می‌روند. حیاط که خلوت می‌شود، والدین دور مدیر و معاونان را می‌گیرند و از شرایط کلاس‌ها، زنگ تفریح و سرویس می‌پرسند. نگران سلامتی فرزندشان هستند. نگرانی‌ای که با حرف‌های مسئولان مدرسه، هم کمتر نمی‌شود. مانده‌اند به مدیر اطمینان کنند یا قید درس و مدرسه فرزندشان را بزنند.

آوردن و نیاوردن بچه‌ها، به اختیار خودتان

مقصد بعدی‌مان، یک دبیرستان دوره اول نمونه دولتی در ناحیه۶ است. روی صف را صندلی چیده‌اند اما دانش‌آموزانی که از ساعت ۷:۳۰ صبح در مدرسه‌اند، این‌طرف و آن‌طرف حیاط تجمع کرده‌اند. یکی از آن‌ها اما روی صندلی اول یکی از صف‌ها نشسته است. با ماسک و شیلد و دستکش. محمدصادق توسلی دانش‌آموز کلاس هفتم است و فقط یک جمله می‌گوید: «مجبورمون کردن بیاییم مدرسه». مادرش که به ما می‌پیوندد، هم از پیام‌های اجباری مدرسه حرف می‌زند: «به‌تازگی از شهرستان نیشابور به مشهد منتقل شده‌ایم و علاوه بر اصرار مدرسه، پسرم باید می‌آمد تا با مدرسه و معلم‌هایش آشنا شود اما اگر در این بین یکی مبتلا باشد، تعداد زیادی را بیمار می‌کند.»

نیشابور جزو شهرهایی است که وضعیت قرمز دارد و این مادر با شرایط خاص آشناست، با این حال تاکید می‌کند که «همین امروز» پسرش را آورده است و می‌داند که بچه‌ها نمی‌توانند ساعت‌ها ماسک و دستکش را تحمل کنند و امیدوار است او با حضور یک‌روزه در مدرسه بیمار نشود.

سراغ مدیر را که می‌گیرم، درحال کنترل وضعیت مدرسه است. از صحبت‌هایش معلوم است که رضایتی از بازگشایی حضوری مدارس ندارد اما با کمک همکارانش، همه اقدامات را برای حفظ سلامت دانش‌آموزان انجام داده‌اند: «کلاس‌ها را ضدعفونی کردیم. دستگاه تب‌سنج خریداری شده است تا هرروز همه افراد را کنترل کنیم. یک نفر را هم به خدمت گرفتیم که به‌طور مداوم مدرسه را سم‌پاشی کند. یک موکت در ورودی و یکی در سالن است تا کف کفش‌ها را ضدعفونی کنند و بنا شده است هرروز بعد از خروج بچه‌ها همه کلاس‌ها و فضا ضدعفونی شود.»

این مدرسه که ۳۵۰دانش‌آموز دارد، به دو گروه زوج و فرد تقسیم شده است تا هر روز نیمی از دانش‌آموزان در مدرسه باشند. یکی از والدین از برگزاری کلاس‌های شاد برای دانش‌آموزانی می‌پرسد که به حضور در مدرسه راضی نیستند و مدیر در پاسخ توضیح می‌دهد: آوردن و نیاوردن بچه‌ها به اختیار خودتان است اما از امروز دبیران ما ۶ساعت سر کلاس هستند و زمان دیگری برای تدریس در فضای مجازی ندارند. به این ترتیب، عملا امکان آموزش در نرم‌افزار شاد برای امروز وجود نخواهد داشت.

گوشه‌ای از مدرسه چهارنفر باهم حرف می‌زنند و بلند می‌خندند. از آن دوستان قدیمی هستند. انگار به اندازه چندماه تعطیلی، حرف نگفته دارند. از میان این جمع علیرضا که با دو ماسک آمده است، با خنده می‌گوید: «ما شش ماه است در خانه‌ایم، تازه دو روز است برای ماسک زدن تمرین کرده‌ام.» فرزاد اما به‌اجبار مادرش به مدرسه آمده است: «مادرم مدیر مدرسه است. خودش امروز رفت سر کار و مرا هم مجبور کرد بیایم مدرسه. البته فکر می‌کنم همین یکی‌دو هفته را بیاییم و بعد با شیوع آنفلوآنزا، مدرسه‌ها را دوباره تعطیل می‌کنند.»

تیزهوشانی‌ها یک روز هم تعطیلی ندارند

با کرونا و بدون کرونا دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان آن‌قدر مصمم هستند و اشتیاق درس خواندن دارند که مدارسشان تقریبا تعطیلی ندارد. صندلی‌هایی که در حیاط دبیرستان متوسطه دوم شهید هاشمی‌نژاد چیده‌اند، تقریبا پر است. اغلب دانش‌آموزان بدون والدین آمده‌اند و همگی برای رفتن به کلاس آماده‌اند. مدیرشان که چندسالی است مسئولیت دبیرستان را برعهده دارد، می‌گوید: ما از اسفند تاامروز یک روز هم تعطیل نبوده‌ایم. بلافاصله بعد از امتحانات خرداد، برنامه‌ریزی برای کنکور سال بعد شروع شد، زیرا هم دانش‌آموزان تیزهوش و هم خانواده‌هایشان، حساس‌تر هستند و نمی‌خواهند یک روز عقب بیفتند.

او تب‌سنجی را «به‌دلیل بروز خطا» قبول ندارد اما با برنامه‌ریزی برای حضور تعداد دانش‌آموزان در مدرسه و چیدمان صندلی‌های کلاس‌ها، سعی کرده‌اند فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت کنند. با این همه معتقد است: «طرح حضور دانش‌آموزان، یکی دوهفته بیشتر دوام نمی‌آورد و باز آموزش برمبنای همان فضای مجازی ادامه پیدا می‌کند.»

اینکه به کودک هفت یا هشت‌ساله کلاس اول و دوم بگوییم دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت کند، شبیه یک شوخی است؛ چون بچه‌ها فراموش می‌کنند که هر لحظه باید به فکر دست نزدن به ماسک و چشم‌ها و صورتشان باشند یا اینکه به سطوح مختلف در مدرسه از در و نرده و دیوار و... دست نزنند. شاید هر روز این سطوح را مدارس ضدعفونی کنند اما چطور می‌توانند صدها دانش‌آموز را کنترل کنند که به در و دیوار و سطوح مختلف دست نزنند؟

کودکان کار و جای خالی فرهنگ مواسات

عباس محمدیان
رئیس سازمان بسیج رسانه خراسان رضوی

مشهد یک شهر ویژه است. هرطور هم که نگاه کنیم، این ویژگی در چشم می‌نشیند. امتیازات بزرگی دارد مشهد به برکت امام‌رضا(ع) که در جای خود باید به احصای آن‌ها پرداخت و نگاه‌ها را پرامید به فرداهایی دوخت که پررونق‌تر از همیشه از راه خواهند رسید. دیار ما اما درکنار بسیار امتیازات و مولفه‌های پیشرفت که دارد، متاسفانه با چالش‌های بزرگی نیز روبه‌روست که هرکدام برای زمین‌گیر کردن یک شهر کافی است؛ مثل همین پدیده کودکان خیابانی که چون زخمی بر چهره شهر می‌نشیند و دل‌ها را نیز به آشوب می‌کشاند. دست‌هایی که سر چهارراه‌ها دراز است و گاه ضربه‌ای هم به شیشه خودروها می‌زند. نگاه پرحسرت و پرسوالش را به درون می‌فرستد تا شیشه‌ای پایین کشیده شود و دستی با اسکناسی بیرون آید. خوب نیست این فضا و بد است تصویری که از شهر در نگاه مسافران نقش می‌بندد. حالا اینکه چه پشت‌پرده‌هایی دارد این ماجرای کودکان خیابانی، خود مثنوی هزارمن کاغذ می‌شود اگر به تحریر درآید. در کنار این معضل، پدیده کودکان کار را هم داریم. کودک‌مردانی که باید بار زندگی را به دوش کشند در روزگاری که دشواری‌ها رو به تزاید است. انگار مزایده برقرار کرده‌اند مشکلات برای دست‌های کوچک و نگاه‌های پرحسرت! فکر می‌کنم باید به این ماجرا با نگاه گره‌گشا بنگرند مسئولان. دست‌های توانا و مستظهر به فرهنگ مواسات، باید به کار شوند تا بن‌بست‌ها بشکنند برای این گروه. آمارها را دقیق ندارم اما با توجه به شواهد، می‌توان مشهد را در شمار شهرهایی دانست که بیشترین فراوانی را به لحاظ کودکان کار دارند. این هم چیز بعید و عجیبی نیست. شهری که بیشترین آمار حاشیه‌نشین کشور را دارد، می‌تواند بیشترین کودکان کار را هم داشته باشد. پدیده‌ای که زاییده فقر اقتصادی و روبه‌راه نبودن روزگار مردم است. وقتی دست پدر از خرمای بر نخیل‌مانده رفاه کوتاه می‌ماند، کودکان به یاری‌اش می‌آیند تا سفره‌شان خالی نماند. شرایط به گونه‌ای رقم می‌خورد که کودکان مجبور می‌شوند به جای کودکی کردن و بهره‌مندی از مواهب و فرصت‌های عهد خردسالی، برای سیر کردن شکم خود تلاش کنند. این افراد، کودکی نکرده باید بزرگ شوند و کارهای بزرگ چون نان‌آوری خانه را به‌عهده بگیرند و قهرا، فرصت رشد و شکوفایی مطابق استانداردها را از دست می‌دهند. این خود نیز در ادامه راه، به مشکلات بزرگ‌تری می‌انجامد که استعدادهای هدررفته یکی از آن است. اینان چون نتوانسته‌اند استعدادهای خود را پرورش دهند، از حاشیه هم به حاشیه رانده خواهند شد و نتیجه آن، باز معضلات بعدی خواهد بود. به گمانم متولیان امر باید برای پیشگیری از معضلات آینده، برای اینکه استعداد فرزندان فقیر هم شکوفا شود، طرحی درازمدت و درازدامن داشته باشند تا افراد مطابق استعداد خود به شکوفایی برسند و هرکدام به ظرفیتی برای خود و جامعه تبدیل شوند. صاحبان استعدادهای درخشان در میانشان کم نیست اما چون برایشان خیلی کم گذاشته می‌شود، کم هم می‌توان برداشت کرد. کاش با برنامه بتوانیم آنان را از تنگناها عبور دهیم تا استعدادشان شکوفا شود و بتوانند فرداها را از تنگناها عبور دهند. کم نداشته‌ایم از این قبیل که دیروز مددجو بودند و امروز به مددکارانی بزرگ تبدیل شده‌اند. آنان می‌توانند الگوی کودکان کار و مدل مورد توجه مسئولان برای مواسات باشند تا فردا، بهتر از امروز، روزی‌مان شود.